

هوس!

جوانی بیست و هفت ساله با داشتن زن و دو فرزند مرتب هنگام عبور از پنجره بخانه همسایه نگاه میکند. دختری بنام «گلی» را می بیند، عاشق او میشود او هم بمشق جوان زن دار پاسخ مساعد میدهد، هر شب بخانه آنها می رود مادر و پدر گلی هم به این عشق دامن میزنند، و وسایل ملاقات آنها را فراهم میکنند. این آموشد «متها ادامه می یابد جوان هر چه پول بدست می آورد خرج گلی میکند، و چیزی بخانه خود نمی برد، کانون خانواده اش از هم می پاشد؛ بیشتر زندگی در اثر فقر و بیماری می سپرد زنش از او طلاق میگیرد جوان بمشق گلی خانه اش را هم میفرودد و او را با پدر و مادرش بکنار دریا می برد، دارو ندارد و خرج میکند و دلش خوش است که با گلی ازدواج خواهد کرد و پس از مراجعت از کنار دریا وقتی برای ازدواج اصرار میکند، می فهمد که گلی شوهر دارد!! و شوهرش یکسال است به مسافرت رفته و حالا می رود که قانون بفریادش برسد!!

اطلاعات بانوان ۲۷ مرداد ۱۳۵۰

مکتب اسلام: این است نمونه کوچکی از آزادی در پی بندوباری و فساد، پسری دختر فقرو بیماری (در حالیکه پدرش بیکوید قبل از آشناسدن با گلی ثروتمند بودم، و ارث قابل توجهی از پدر بزم رسیده بود) می میرد، زن جوانی بدبخت می شود و کانون خانواده ای از هم می پاشد، جوانی بخاطر هوس همه چیز خود را از دست میدهد، باشد تا شوهر گلی از مسافرت بر گردد و باقی جریان را در صفحه حوادث روزنامهها بخوانیم!!

مهاجران از اینجا شروع می شود! جوانی در اترستی مبنای مذهبی بچشم چرانی عادت کرده بخانه مردم نگاه میکند، پدر و مادری گول آزادی رنگین را خورده دختر شوهر دارشان را در معاشرت با مرد بیگانه آزاد می گذارند، و بقیه قضایا! وقتی مکرر رنگین نامه ها لزوم آزادی دختر و پسرها توصیه نمودند، و استفاده از قرص های ضد بارداری را سفارش می کنند، دنیا له اش هم ترتیب دهند گان بحث اجتماعی!! آزادی سقط حتمین را پدیده ضروری عصر شدند دنیا له اش همین قضایاست و همین حوادث! بر باد رفتن خانواده ها! ولایدا گر شوهر گلی از سفر برگشت و دست بچنانی زد باز هم رنگین نامه ها با چاپ عکس و تفصیلات خواهند نوشت: باز هم غیرت مزاحم جنایت آفرید!

میخواری بچه ها!

بچه ها، به جنب و جوش افتاده بودند، آنها برنامه «میخودی» داشتند، پیشنهاد کنند»